



روایت آیت الله جوادی آملی از ابلاغ نامه امام(ره) به گورباچف

آیت الله جوادی آملی تأکید می کنند وظیفه هیئت اعزامی به شوروی نه تسلیم نامه امام به یک رهبر سیاسی دیگر، بلکه تعلیم و تبیین پیام الهی مد نظر حضرت امام برای مسئولین وقت کشور شوروی بود.

آیت الله جوادی آملی تأکید می کنند وظیفه هیئت اعزامی به شوروی نه تسلیم نامه امام به یک رهبر سیاسی دیگر، بلکه تعلیم و تبیین پیام الهی مد نظر حضرت امام برای مسئولین وقت کشور شوروی بود.

به گزارش خبرگزاری مهر، به مناسبت ۱۳ دی ماه، سالروز ابلاغ پیام تاریخی حضرت امام خمینی(ره) به گورباچف رهبر شوروی سابق، که توسط آیت الله جوادی آملی به وی تبیین گردید، به بازخوانی روایت وی از ابلاغ نامه امام به گورباچف می پردازیم.

آیت الله جوادی آملی همواره گفته، که وظیفه این هیئت نه تسلیم نامه امام به یک رهبر سیاسی دیگر، بلکه تعلیم و تبیین پیام الهی مد نظر حضرت امام برای مسئولین وقت کشور شوروی بود.

لذا آیت الله جوادی که مسئول هیئت اعزامی امام خمینی به مسکو بودند، تأکید می کنند هیئت اعزامی مصمم بود، ضمن حفظ احترام متقابل و رعایت کمال ادب، که از وظایف بین المللی اسلام به شمار می آید و اختصاصی به گروه خاصی ندارد، لسان پیام امام(ره) را با زبان تعلیم و ارشاد ادا کند و نه با لسان دیپلماسی.

آیت الله جوادی آملی این ماجرا را این چنین روایت کرده است:

«هیئت اعزامی از طرف امام خمینی(ره) روز سیزدهم دی ماه ۱۳۶۷، تهران را به مقصد مسکو ترک و در روز چهاردهم به تهران برگشت و مدت توقف این سفر تاریخی در مسکو بیست و سه ساعت بود و در فرودگاه بین المللی با استقبال نماینده ویژه صدر هیئت رئیسه شوروی و برخی از مسئولان بلندپایه سیاسی و امام جمعه مسکو و نیز با شرکت سفیر محترم وقت ایران در شوروی و تنی چند از برادران محترم سفارت ایران در مراسم استقبال روبرو شد.

قبل از ملاقات رسمی هیئت اعزامی با رهبر شوروی و بعد از آن، هیچ گونه تماس سیاسی با فرد یا گروهی از طرف سرپرست هیئت حاصل نشد، زیرا این سفر فقط برای ابلاغ پیام و تبیین محتوای عمیق آن بود، و فاصله چهل کیلومتری فرودگاه تا شهر مسکو، هم در رفتن و هم در برگشتن، جز به یاد حق و نشر آثار آن و دعوت به خدا و احیای فطرت ملحدان مارکسیست سپری نشد.

وقت ملاقات با رهبر شوروی ساعت یازده، روز چهاردهم دی ماه بود و مدت آن دوساعت و پنج دقیقه به طول انجامید. هنگام ورود به کاخ کرمالین، صدر هیئت رئیسه و دونفر از مسئولان بلندپایه سیاسی، که قبلاً حضور یافته بودند، تا چند قدم در همان اتاق به استقبال آمدند و با گرمی آماده شنیدن پیام امام خمینی(ره) شدند.

هیئت اعزامی مصمم بود، ضمن حفظ احترام متقابل و رعایت کمال ادب، که از وظایف بین المللی اسلام به شمار می آید و اختصاص به گروه خاص ندارد، لسان پیام امام(ره) را با زبان تعلیم ارشاد کند و نه با لسان دیپلماسی و هرگز قول فضل الهی را با هزل مجاز درعرف دیپلمات نیالاید و صلابت دعوت به توحید را در پای تعارف رایج سیاست بازان، به دهن و وهن ذبح نکند، بلکه به عنوان رسول امین، مضمون پیام والا را با آهنگ تدریس القا نماید، نه به صورت قرائت الفاظ و گزارش صورت و بدین منظور قبل از خروج از اقامتگاه، نمازی خوانده شد و از ذات اقدس خداوند با نیاز تقاضا شد: «رب اشرح لی صدری و یسر لی امری، واحلل عقده من لسانی یفقهوا قولی.»

کیفیت ابلاغ پیام به این سبک بود که تمام کلمات آن همراه با توضیح ضروری برخی از مواد، به خوبی قرائت می شد، سپس مترجمان ویژه کرمالین آن را برای جناب گورباچف و دونفر دیگر که حضور داشتند، ترجمه می کرد، و اگر مطلبی برای خود ترجمه کننده قابل درک نبود، سؤال می کرد و با تبیین و تفسیر لازم بعد از درک کامل، آن را با ترجمه روسی به رهبر شوروی منتقل می کرد، در خلال قرائت پیام و ترجمه آن، که شصت و پنج دقیقه طول کشید، نکات مهم پیام را شخص گورباچف یادداشت می کرد، چه اینکه آن دونفر دیگر نیز یادداشت می نمودند.

نحوه استماع رهبر شوروی در تمام مدت قرائت پیام در کمال ادب دیپلماسی بود، لیکن اصل متن وانشای آن در اوج هدایت به توحید بود، نه در حسیض دیپلمات و سبک ابلاغ آن نیز در حد تدریس بود، نه گزارش صرف. لذا گاهی نشانه «فیهت الذی کفر» همراه با انفعال در رخسارش مشهود بود که می رفت فطرت را زنده نماید. چون صدور این نامه تاریخ ساز بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بود و کشور اسلامی ایران وارد مرحله بازسازی و ترمیم خرابی های جنگ تحمیلی هشت ساله شد و از طرف دیگر مضمون نامه کاملاً سری بود و جز او (امام خمینی) احدی از مسئولان گرانقدر جمهوری اسلامی ایران، کسی به آن آگاه نبود. لذا رهبران روسیه عموماً و صدر هیئت رئیسه آن خصوصاً، هرگونه احتمالی را پیرامون مفاد پیام می دادند، مگر احتمال دعوت به توحید و اسلام ناب محمدی(ص) را.

از این جهت، بعد از استماع خطوط اصلی پیام، تمام پیش داوری ها و پیش فرضهای رهبران کرمالین سراب گونه سر از آب و خواب برآورد و جواب مناسب با اندام موزون این پیام آسمانی عاجلاً ندادند، بلکه آجلاً هم راجل ماندند. چنان که امام به فرستاده مخصوص میخائیل گورباچف فرمود: «من می خواستم دری از جهان غیب به چهره او باز کنم؛ نه آن که درباره مسائل

جهان ماده با او سخن گفته باشم.»

رهبر شوروی بعد از استماع دقیق و درک منظور امام، با تأنی کامل، که کشف از تدبیر در پاسخگویی می کرد، شروع به جواب کرد و مدتی که برای سخنان جناب گورباچف و دریافت پاسخ نهایی ازطرف هیئت اعزامی صرف شد، جمعا در حدود یک ساعت بود. عصاره مطالبی که ایشان گفتند و مترجم صحنه ملاقات آن را به فارسی برگرداند، عبارت از این بود: «از فرستادن نامه امام خمینی تشکر می کنم. در فرصت مناسب جواب آن را خواهم داد. مضمون آن را به علمای شوروی اعلام می داریم. ما قانون آزادی ایمان را در دست تصویب داریم. من قبلا گفتم با داشتن ایدئولوژی های مختلف می توان با حسن همجواری درکنار هم زندگی کرد، امام خمینی ما را به دین اسلام دعوت نموده است. آیا ما هم ایشان را به مکتب خودمان دعوت کنیم؟ (دراینجا لبخند زد و دوباره گفت: این یک شوخی است). این دعوت یک نحوه دخالت در شئون کشور دیگر محسوب می شود، زیرا هر کشوری در انتخاب مکتب آزاد و مستقل می باشد.»

هیئت اعزامی از ایران با دریافت این مطالب، بررسی کرد که مهمترین بند جواب همان بند اخیر آن است که نشانه برخورد سیاسی با نامه امام در آن به چشم می خورد، نه برخورد فرهنگی و تعلیمی محض و با پندار سیاسی بودن داخل در دخالت درکشور اجنبی خواهدبود، که به این ترتیب اصل نامه و فرستادن پیام زیر سؤال می رفت.

دیگر نوبت به مضمون آن نمی رسید، آیت الله جوادی آملی، به عنوان مسئول هیئت اعزامی در پاسخ نهایی چنین گفت:

از این که در کمال حوصله قرائت نامه را استماع کردید، تشکر می کنیم و این که آمادگی خود را جهت فرستادن جواب اعلام داشتید، تقدیر می شود و از این که مضمون پیام را به اطلاع علمای کشورتان می رسانید، شایان تشکر است و از این که قانون آزادی دین را در دست تصویب دارید، به امید تسریع آن، تقدیر می شود، چنان که زندگی مسالمت آمیز با داشتن مکتب های گوناگون در صورت رعایت اصول انسانی، میسر می باشد، اما «دخالت در شئون داخلی کشور دیگر» را باید توضیح داد.

شما از عمق خاک وسیع شوروی تا اوج فضای آسمان آن، آزادانه فعالیت دارید و هیچ کس حق دخالت در امور داخلی کشور اجنبی را ندارد. لیکن محتوای این پیام، همانند پیامهای رهبران الهی دیگر، نه کاری به زیر زمین و نه برخوردی با روی زمین و نه ارتباطی با آسمان شوروی دارد، بلکه فقط با جان شما مرتبط می باشد، جناب آقای گورباچف!

آیا شما همانند درخت هستید که مرگ شما عبارت از پژمرده شدن و فرسوده گشتن تن باشد و بعد از مرگ هیچ خبری از زندگی و آثار نخواهدبود، یا جان شما همانند مرغی است که در قفس طبیعت تن، محبوس است و مرگ شما به منزله گشوده شدن در این قفس و پرواز طائر روح به جهان جاوید می باشد؟ البته دومی است، نه اولی و مضمون نامه امام دعوت به توحید و پرهیز از الحاد است که راجع به جان شماست، نه درباره کشور شما. البته وقتی روح آدمی موحد شد، راه صحیح کشور داری را می شناسد و آن را به خوبی اداره می نماید.»

علاقه مندان می توانند زوایای دیگر این واقعه تاریخی، همچنین متن نامه امام و شرح آن را به قلم آیت الله جوادی آملی، در کتاب «امام خمینی بنیان مرصوص» مطالعه نمایند.